



E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

[www.allstudyjournal.com](http://www.allstudyjournal.com)

IJAAS 2020; 2(4): 403-408

Received: 07-08-2020

Accepted: 09-09-2020

سید میراحمد «سیرت»

استاد رشته تاریخ دانشکده علوم  
اجتماعی دانشگاه تعلیم و تربیه شهید  
استاد ربانی افغانستان

## بررسی رابطه اسلام و حقوق بشر (باتاکید بر ماده اول و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر)

سید میراحمد «سیرت»

### چکیده

پرداختن به رابطه حقوق بشر و اسلام در عصر حاضر مهمترین گفتمان جهان اسلام را میسازد، امروز ده ها اندیشمند و روشنفکر مسلمان در مقابل اندیشمندان و روشنفکران غیر مسلمان ( غرب ) در این مورد قلم می‌راندند. جدیت روشنفکران مسلمان در رابطه به مساله حقوق بشر و اسلام برای اینست که این مساله مستقیماً با زندگی مسلمانان ارتباط دارد و مسلمانان باید همه بدانند که اسلام برای آنها چقدر حقوق و آزادی داده و در ضمن آن چقدر مکلفیت دارد و برای غیر مسلمان چه حقوق در نظر گرفته است. حل آن شاید از بزرگترین موفقیت های مسلمانان در دوران مدرنیته باشد باید تذکر داد که بین اسلام و حقوق بشر در غرب به ویژه در مورد جایگاه انسان و کرامت انسانی و از لحاظ عقیده و باور در خیلی موارد رابطه ای وجود دارد و باهم هم نظر است و همچنان در بعضی موارد دیگری دیدگاه اسلام کاملاً متفاوت با آن می باشد و اصلاً آن را نمی پذیرد در مانع نیست و بعضی موارد دیگری نیز است که پیرامون آن در لابلای این مقاله به طور مشخص پرداخته شده است، روش تحقیق در این مقاله روش تحلیلی-توصیفی می باشد. در این تحقیق که به شکل اسنادی و کتابخانه ای از منابع معتبر استفاده شده و جهت جمع آوری اطلاعات از کتب و مقالات و منابع استفاده گردیده که از نهاد های معتبر علمی در کشور منتشر شده است.

**کلمات کلیدی:** اسلام، حقوق بشر، آزادی، دین، کرامت انسانی

### مقدمه

حقوق بشر در حقیقت ارزشهای جهان شمولی است که مربوط به تمام انسان ها بدون هر نوع تبعیض می شود، همه انسانها در روی زمین حق دارند هر زمانی که با آنان رفتار غیر قانونی صورت می گیرد بتوانند در یک محکمه عادلانه مسایل حقوقی خود را به پیش ببرند. حق آزادی انتخاب، آزادی دینی، آزادی عقیده همه از موارد است که حقوق بشر بر آن تاکید داشته و در بسیاری از جوامع انسانی این ارزشها در رفتارها و هنجارهای زنده گی شامل شده و قوانین کشور ها نیز بر آن تاکید داشته است. دولت ها موظف و مکلف است تا ارزشهای اعلامیه جهانی حقوق بشر را که در سال 1948 به تصویب رسید رعایت نموده و آن را مورد احترام قرار دهد.

در بسیاری از کشورها مسئله حقوق بشر با شک و تردیدهای نگریننده می شود اینکه آیا این ارزشها جهان شمول است و باید مورد احترام قرار بگیرد، و آیا کشور های که قوانین شان برگرفته از ارزشهای دینی است آن را قبول نماید یا خیر، اما امروزه علما معتقد است که ارزشهای حقوق بشری با توجه به جهان شمول بودن آن نیازی به تصویب دولتها ندارد و باید در همه حال مورد توجه و احترام قرار گیرد، زیرا این ارزشها را انسان در روند رشد و تکامل خود و باتوجه به این که انسان است نیاز دارد.

بحث مهم دیگر امروز رابطه اسلام و حقوق بشر است و اینکه آیا اسلام تمام این ارزشها را قبول دارد و یا نه، گرچند در این رابطه مهم این است که ما به اسلام از چه منظر نگاه میکنیم و دیدما در رابطه به اسلام چگونه است بدون تردید نوع نگاه ما به دین اسلام میتواند نوع برداشت مان را از رابطه اسلام و حقوق بشر مشخص کند به همین اساس امروزه این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است.

واضح است که ساختار و چهار چوب حقوق بشر بیشتر با یک نگاه غیردینی به بشر نگاه میکند و آن را به عنوان چارچوب ضروری و لازم در حفاظت از حقوق ذاتی همه آدمیان در هر نقطه از جهان مشاهده می کنند. و لازم است چنین دیدگاهی مطرح باشد، زیرا ارزشهای دین خاص را ما نمیتوانیم برای همه انسان های که دارای گرایش های مختلف از لحاظ عقیدتی است تعمیم دهیم.

### Corresponding Author:

سید میراحمد «سیرت»

استاد رشته تاریخ دانشکده علوم  
اجتماعی دانشگاه تعلیم و تربیه شهید  
استاد ربانی افغانستان

### طرح مسأله

درآمده اول و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر از انسان سخن گفته میشود از انسانیکه اشرف مخلوقات است و جهان باهمه نعمت ها برای اوست در عالم خلقت و جهان هستی چنین ارج و منزلت دارد و چون در این مقام از انسان نام میبریم منظور از انسان به طور اعم است یعنی هر انسان در هر وقت و موقعیت صرف نظر از نژاد، جنس، رنگ و خصوصیات اجتماعی. مقصود از هر فرد از افراد آدمی است (شریفیان، 1380، 34).

چهارده قرن پیش از امروز، اسلام در شرایطی که جهل و نادانی به طور گسترده ای در عربستان سایه افکنده بود و اعراب دختران خود را زنده به گور میکردند در آنها هیچگونه حقی، حتی حق حیات را نیز قایل نبودند عرض اندام کرد، و در آن وقت و زمان تمام حقوق را، که امروز کشور های غرب خود را به وجود آورنده آن می دانند، به بشریت به ارمغان آورد. و هرگونه تبعیض را از بین برد و از حیث شرافت و کرامت انسانی هرگونه فرقی بین ارباب و برده، سیاه و سفید، عرب و عجم را ملغی کرد و تمام افراد بشر را عضو یک خانواده قلمداد نمود که مخلوق خداوند و فرزند آدم. هرگونه برتری، چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ موقف اجتماعی را مردود شمرد و تنها برتری انسانها را در تقوا و پرهیزگاری دانست (ابراهیمی، 1380، 78)

در این مقطع زمان بشر توانست که به حیثیت و کرامت خود پی ببرد و بداند که چگونه مخلوقی است، و این شرافت انسان را قرآن اینطور بیان مینماید: ( و برآستی ما به فرزندان آدم ، کرامت بخشیدیم.) آیه

حقوق بشرگرچه ظاهراً محصول تمدن جدید و مدرنیته است ولی اینکه بخواهیم آن را در قالب یک تمدن خاص محدود نمایم صحیح نمی باشد زیرا حقوق بشر همزاد باپیدایش انسان بوده و با او به وجود آمده است. باسیر در ادبیات، عرفان عقاید و ادیان سماوی می بینیم که دعوت به برابری و برادری و نوع دوستی به وسیله پیامبران و یکی از اصول اولیه آن اندیشه ها میباشد. زیرا مفهوم حقوق بشر کهن سالترازان است که بتوان آنرا به تمدن خاص یا دوره خاص منتسب کرد همه مذاهب، همه کتب بزرگ از آن سخن زده اند در همین ادبیات و عرفان خود ما هزاران کلام بدیع در دعوت به برابری و برادری و نوع دوستی و ستایش آزاده گی و محبت و پرهیز از جنگ و تعصب بیان گردیده است (آقایی، 1366، 343).

این حقوق در گذشته بارها و به طور متوالی و مکرر توسط صاحبان زر و زور و تزویر نقض گردیده است. حتی در دوران معاصر نیز توسط ملل پیش رفته همچنین در کشورهای جهان سوم مورد بی اعتنائی قرار گرفته است. و در پیش رفته ترین کشورهای جهان تا سال اخیر شاهد تبعیضات نژادی میان سفید پوستان و سیاه پوستان بوده ایم (بسته نگار، 1385، 90).

این درست است که در قرن معاصربه خصوص بعد از جنگ جهانی دوم حقوق بشر تحت اصول و ضوابط معین و مشخص تدوین شد. ولی باید توجه کرد که این حقوق اموال یا کالا نیست که مانند سایر کالاها به کشورهای دیگر صادر کرد. و از مردمان آن بخواهیم که به این مقررات گردن نهند. اگر این حقوق بامعتقدات مذهبی و تفکر قومی مغایرت داشته آنرا پس می زنند. بنابراین تا آن جاکه در توان است کوشش و تلاشی خسته گی ناپزیر نمود تا آنچه که در تفکرات یک ملت و مذهب درباره حقوق بشر وجود دارد آن را جمع آوری و تدوین نمود تا این تفکر بتواند ریشه در پایهای فکر یک جامعه داشته باشد و افراد

با اعتقاد و آگاهی به آن روی آورند. نه آنکه به صورت بخشنامه به کشورها صادر گردد. چون نتوانسته نمی تواند با اندیشه های آن ملت تبیین گردد در عمل می بینیم که این حقوق آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار گیرد نمی گیرد (طباطبای، 1372، 50).

### اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع رابطه اسلام و حقوق بشر به خصوص جایگاه انسان در جامعه و حق برخورداری از امنیت و مصئونیت در حالیکه این حقوق در ادیان سماوی و بالخصوص در دین مبین اسلام در همان اولین سالهای نزول آیات قرآن عظیم الشان تذکر رفته و به اساسات حقوق بشر بصورت واضح و مشخص پرداخته شده است به خاطر پرده برداشتن از این ابهامات. ثانیاً، به خاطر برانزده ساختن وجوه اختلاف، و وجوه اشتراک بین حقوق بشر در اسلام و غرب و هم چنین برای واضح ساختن اینکه اسلام و غرب چه اندازه آزادیها و حقوقی و چه اندازه مکلفیت های برای بشریت قائل اند.

### اهداف تحقیق

مهم ترین اهداف این مقاله علمی تحقیقی، بررسی رابطه اسلام و حقوق بشر قرار ذیل است

1. شناسایی جایگاه انسان از دیدگاه اسلام
2. شناسایی جایگاه انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر
3. شناسایی رابطه میان حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب

### سوال اصلی تحقیق

1. چه رابطه از لحاظ کرامت و آزادی های سیاسی میان اسلام و حقوق بشر وجود دارد؟

### سوالات فرعی

1. کرامت انسانی در اسلام و حقوق بشر چگونه تبیین شده است؟
2. جایگاه انسان در اسلام و حقوق بشر چگونه پرداخته شده است؟
3. اسلام و حقوق بشر پیرامون حفظ کرامت انسانی به چی اندازه ارزش قایل است؟

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله ی تحقیق علمی پیرامون بررسی رابطه اسلام و حقوق بشر روش تحلیلی-توضیفی می باشد. در این تحقیق که به شکل اسنادی و کتابخانه یی از منابع معتبر استفاده شده و جهت جمع آوری اطلاعات از کتب و مقالات و منابع استفاده گردیده که از نهاد های معتبر علمی در کشور منتشر شده است.

### پیشینه تحقیق

تا کنون تحقیق علمی و کار تئوریک در زمینه ای اسلام و حقوق بشر به ویژه در کشور های مختلف و همچنان در کشور ما زیاد انجام شده است، در رابطه به اصل انسان تعبیرات و نظریات مختلف وجود دارد که هر کدام انسان را از نقطه نظر خود مورد مطالعه قرار داده اند. ولی دین اسلام در بسا موارد با این نظریات مخالف است، و اصل آفرینش انسان را از خاک میداند و به آن مقام و ارزش بلندی را قایل است. ماتریالیست ها به انسان با یک دیدگاه مادی می بیند و کمتر به

بعد معنوی انسان توجه دارد در این مورد آنان بیشتر به انسان به عنوان یک موجودی طبیعی نگاه دارد. (قربانی، 1376، 121). نظریات ایدئالیستی درباره انسان: این نظریات انسان را به ارواح های مختلف نسبت داده، انسان را به اقسام مختلفی چون صاحبان ارواح های عالی و صاحبان ارواح های شریروزشت نسبت می دهند؛ و به این گونه طبقات مختلف را در میان انسانها ایجاد نموده که عالی، اوسط و ادنی میباشد که در بساحالات طبقه ادنی رمانند حیوانات در خدمت خود قرار میدهند (مهرپور، 1388، 55).

اما این انسان و حقوق او همواره در مکاتب مختلف بادیگاه های متفاوت دیده شده است، حقوق بشر در کشورها بایک پیشداوری منفی همراه است. عده بی میگویند حقوق بشریک پدیده ئی غربی است و ریشه های سکولاریستی دارد و اهل دین و دیانت باید، با آن مخالفت کند به نظر بنده این طرز فکر یک الفای نا ثواب و زیانبار است، اذهان عامه را در جوامع اسلامی مخدوش میسازد.

در حالیکه حقوق بشر اصول و قواعد منظمی است، برای سامان دادن رابطه افراد جامعه با یکدیگر و دولت و روابط انسان ها و ملت ها در صحنه بین المللی با یکدیگر حقوق بشر معیار نخستین و اصلی برای تنظیم رابطه اجتماعی انسانها و ملتها با یکدیگر در جهان حاضر است. سخن گفتن از حقوق بشر مقدم بر این مطلب است، که انسان ها تابع کدام فرهنگ و یا دین هستند، چه نژاد و چه ملیتی دارند، در شرق عالم زندگی میکنند یا در غرب عالم، بحث از حقوق بشر بر بحث فرهنگ های مختلف، قومیت های مختلف و تحت نام دین، خصوصتها، جنگها و خونریزیها، که در طول تاریخ بشریه عناوین مختلف و تحت نام دین، نژاد ملیت و هر عنوان دیگر واقع شده، بصورت نسبی پایان داده شود و زندگی برای افراد جوامع قابل تحمل گردد (کریمی، 1389، 65).

هابز میگوید: حقوق بشر یک حق بشری است که به شکل زبانی اظهار میشود، که تقدیمی برای برخی از صفات بشری یا اجتماعی قائل است که برای عملکرد مناسب یک بشر حیاتی تلقی میگردد، یعنی مقصود این است که به عنوان سپر و غلامی محافظ برای آن صفات عمل کند، و به اقدامی سنجیده برای تضمین چنان حفاظتی متوسل شود (رسولی، 1381، 67).

جان لاک میگوید: حقوق بشر عبارت است از حقوقی که به موجب قانون طبیعت به افراد آدمی تعلق دارد مانند حق زنده گی، حق آزادی و حق مالکیت و نیز به عقیده موصوف و پیروان وی حقوق بشر حق شرکت در تشکیل حکومت است. توماس پین میگوید: تمام افراد بشر آزاد و با حقوق طبیعی متساوی به دنیا آمده اند و آنچه که وابسته به طبیعت بشر است نمی تواند به وسیله بشر نا بود شود در حقیقت هیچ چیز نمی تواند مقام طبیعی بشر را زائل سازد. (رامزپور، 1377، 341).

سن اگوستن میگوید: حقوق بشر عبارت از یک سلسله حقوقی ازلی و ابدی و لاینغیر و غیر قابل انتقال و غیر قابل تجزیه که مشمول مرور زمان نمیشود و عموم افراد بشر را از هر نژاد و هر جنس، صرف نظر از رنگ پوست و میزان ثروت و موقعیت اجتماعی شامل است، یا به عباره دیگر حقوق بشر حقوق ذاتی است که در پیامد انسان بودن متعلق به هر شخص میباشد و همچنان دانشمندان به عنوانی دیگری حقوق بشر را تعریف کرده اند (شریفیان، 1380، 34).

پس حقوق بشر تنها در جای معنی پیدا میکند، که جامعه ای هست و انسانهای با هم زنده گی میکنند. اگر جامعه مطرح

نباشد حق برای انسان معنا پیدا نمی کند (آقاییف، 1366، 40). مفهوم حقوق بشر در اسلام بر دو اصل مهم مبتنی است: کرامت افراد انسانی و عدالت اسلام همواره بر این نکته تاکید می ورزد که خداوند سبحان الله تعالی تمام افراد انسانی را مورد فضل قرار داده و آنها را تکریم نموده است خداوند از تمام افراد بشر می خواهد تا در محیطی سرشار از صلح و نظم زنده گی کنند، و به همین دلیل از او میخواید تا در این دنیا عدالت را بر پا کن. زیرا در جهان بدون عدالت، کرامت و شأنت انسانی وجود نخواهد داشت و بدون کرامت و عدالت هیچگونه صلح و آرمشی نخواهد بود (مهرپور، 1388، 65).

بایدی داورشویم آنچه را که امروزه در غرب از آن به عنوان حقوق بنیادین بشر نام میبرند اسلام نیز تاحدی این حقوق را برای بشر برسمیت شناخته و بر آنها تاکید ورزیده است از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد.

حق حیات، حق مالکیت، حق کرامت انسانی، حق آزادی شخصی، حق آزادی عقیده، حق مشارکت و حق برخورداری از امنیت (ابراهیمی، 1383، 98).

حقوق طبیعی منحصی یکی از منابع حقوق بشر عبارت است از: "حقوقی که به موجب قانون طبیعت به افراد آدمی تعلق دارد، مانند حق زنده گی، حق آزادی و حق مالکیت و نیز به عقیده جان لاک و پیروان او، حق شرکت در تشکیل حکومت می باشد. نظریه حقوق طبیعی را تاریخ بس کهن و قدیمی است، که آغاز آنرا به تحقیق میتوان چند قرن قبل از میلاد مسیح دانست. از همان ازمنه باستان فلاسفه و حکما در باره حقوق طبیعی بحث کرده آنرا شالوده ی پایداری برای بنای عظیم و رفیعی قرار داده اند، که حقوق بشر نام گرفته و پناهگاه محرومان اجتماع شناخته شده است. نظریه حقوق طبیعی با وجود قدامت هنوز تازه گی خود را از دست نداده است (بسته نگار، 13889، 53).

این حقوق بر طبق قانون و ناموس طبیعت مقرر گردیده بنا بر این هیچ یک از قوانین موضوعه ی بشری نمیتواند این حقوق را از افراد سلب کند و یا نقصان و کاهش در آن پدید آورد، مگر به حکم قوانین طبیعی، یعنی برای رعایت حقوق دیگران. نفوذ و تاثیر آن چنان است، که هیچ فردی حتی نمیتواند این حقوق را از خود سلب و خویش را از استفاده از آن محروم سازد. حقوق طبیعی مختص افراد آدمی است (شریفیان، 1380، 34).

## یافته های تحقیق

### 1. از نظر تاریخی

اندیشه حمایت از حقوق بشر از دیر باز برای ایجاد مبارزه در مقابل ظلم و بی عدالتی همواره مورد توجه قرار گرفته است. هدف این تلاش ها این بوده تاحد اقل حقوق برای افراد جامعه تأمین شود. بنابر این قدامت حقوق بشر به پهنه تاریخ می رسد یعنی از آن هنگامی که فرد و یا افراد ی ظالمانه حقوق دیگران را نادیده انگاشتند. خود سری و توسعه طلبی پیشنه کردند، و پیکار برای حقوق بشر آغاز شد در هر کجا مبارزه ای برای حقوق بشر شده است. سیر تاریخ دیگر گون شده و باز هم چندی بعد با غفلت و یا اغراض صاحبان قدرت، بار دیگر شرایط و وضعیتی به وجود آمده است که مبارزه ای دیگر را برای احیاء حقوق از دست رفته بشری شکل داده است، و از این روی صحنه تاریخ همواره عرصه رقابت میان دو نیروی متقابل یعنی حامیان بشر و وارثان داعیه ظلم بوده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در صدو هشتاد و سومین مجمع عمومی ملل متحد در قصر شایلو، پاریس در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶ با ۴۸ رأی موفق هیچ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید، و اعلامیه سازمان کنفرانس اسلامی حقوق بشر در ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری مطابق آگوست ۱۹۹۰ میلادی و ۵ اسد ۱۳۶۹ شمسی در اجلاس وزارای امور خارجه کنفرانس اسلامی در قاهره تصویب گردید اما از مقایسه ماده اول و دوم این دو اعلامیه چنین نتیجه به دست می آید

### 2. وجوه اشتراک

نخست می پردازیم به وجه اشتراک اعلامیه جهانی حقوق بشر با اعلامیه سازمان کنفرانس اسلامی حقوق بشر  
 ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین مشعر است:  
 تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق باهم برابر اند. همه گی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادرانه رفتار کنند.  
 ماده دوم حقوق بشر در اسلام در تطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین مشعر است:

الف) زندگی موهبتی است الهی، وحی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستاده گی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زنده گی بشریت تا هر جایکه خداوند (ج) مشیت نماید، وظیفه شرعی میباشد

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی و بر دولت است از این امر حمایت نماید.

ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر: با ماده اول حقوق بشر در اسلام مشابهت دارد.

هر کس میتواند هیچگونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده ای سیاسی و یا هر عقیده ای دیگر، و همچنین منشأ کلی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه ای آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.

همچنان نباید در برابر افراد هیچگونه تبعیض به میان آید، این که افراد مربوط به کدام قوم، نژاد طایفه و یا قبیله است و در کدام سرزمین زنده گی می کند اینها همه مواردی مهم است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تاکید شده است و نباید هیچگونه تبعیض در برابر آن ورت گیرد.

در مطابقت به ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده اول حقوق بشر در اسلام چنین آمده است.

الف) بشر به طور يك خانواده میباشد که بنده گی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آن ها را گرد آورده و همه در دم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسوولیت برابراند بدون هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد، یا رنگ یا جنس با اعتقاد دینی یا وابسته گی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان میباشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوبتری آنان نزد خدا سود مند ترین آنان به همنوع خود است و هیچ

احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کارنیکو  
 ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی حق زنده گی آزادی و امنیت شخصی دارد.

الف) هر انسانی حق دراد که در يك محیط پاک از مفاسد و بیماریهای اخلاقی به گونه ای که بتواند خود را از نظری معنوی پرورش دهد، زنده گی کند. جامعه و دولت موظفند زمنیه، این حق را برای او فراهم کنند

ب) دولت و جامعه موظفند که برای هر انسانی تامین حفظ الصحه و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز برحسب امکانات موجود، فراهم نمایند

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زنده گی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق آن، احتیاج خود و خانواده اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی میشود تضمین نماید.

### 3. وجوه اختلاف

- در اعلامیه جهانی حقوق بشر انسان آزاد به دنیا آمده و آزاد زنده گی میکند
- در اعلامیه اسلامی انسان بنده خداوند خطاب شده است
- در اعلامیه جهانی حقوق بشر کرامت انسانی یک موضوع ذاتی است
- در اعلامیه اسلامی حقوق بشر کرامت انسانی یک موضوع خدادادی است
- در اعلامیه جهانی حقوق بشر بحث رسیده گی قانونی به مسایل است
- در اعلامیه اسلامی حقوق بشر بحث مجوز شرعی مطرح است

### 4. اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر

اسلام دینی است اجتماعی، و جهانشمول که به خاطر هدایت جهان بشریت به سوی روشنایی و حقیقت خیر و فلاح دارین از جانب خداوند متعال توسط پیامبر برگزیده اشت حضرت محمد (ص) به جهان بشریت نازل شده است.

دین اسلام به حقوق و آزادی های فردی احترام گذاشته، آنرا به رسمیت شناخته و در رعایت آن افراد و جامعه را مکلف گردانیده است. اسلام بر مبنای آزادی استوار است. طبق احکام و الای آن، انسان فطرتاً و طبیعتاً آزاد خلق شده و از اصالت حرمت برخوردار است. زیرا تمام افراد بشر از يك پدر و مادر به وجود آمده هیچ نوع تفاوت و امتیاز میان آنها جز تقوی وجود ندارد. دار اسلام محل امن و امنیت بوده و هر فردیکه در جامعه اسلامی زیست می نماید، اعم از پیروان اسلام و سایر ادیان از معوونیت فردی نیز برخوردار می باشند هر دولت مکلف دارد. تا امنیت آنها را تامین و حقوق و آزادی های شان را از دست برد، تجاوز و تعدی حفاظت و حمایت نماید.

### 5. مصنویت فردی

مصنویت فردی که بنام امنیت شخصی یا آزادی فردی نیز یاد میگردد، به مفهوم عام آن شامل حفظ حقوق فطری و طبیعی انسان یا حمایت از آزادی، حق حیات و زندگی، حفظ مالکیت و دارایی، جلوگیری از سلب آزادی و تعرض بر فرداست، جامعه اسلامی مکلفیت دارد. تا جان و مال، ناموس، و آزادی اشخاص را تحت حمایت خود قرار داده و از هر نوع تجاوز و تعدی آنها را در امان نگه دارد.

بناءً مصنونیت فردی جلوگیری از هر نوع تجاوز و تعرض به حیات و جسم شخص، سلب آزادی اعمال شکنجه و عذیب در اسارت قرار دادن، بهره‌گشتی و استثمار، در برده‌گی قرار دادن وی و همچنان فظ حیثیت، شرافت، کرامت انسانی وضع فحشا و بی‌حیایی در برابر فرد است این حقوق و آزادی‌ها به حدی مهم دانسته شده که از جمله وسایل اهم زنده‌گی اجتماعی را تشکیل می‌دهد بدون موجودیت مصنونیت، تحمل زنده‌گی و ادامه آن بر فرد کار دشوار و غیر ممکن است.

## 6. حق حیات از دیدگاه اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حق حیات یا زنده‌گی، یکی از حقوق فطری و اساسی انسانها است و آن پایه و اساس تمام حقوق انسانی به شمار می‌رود، زیرا همه حقوق، قائم به وجود خود انسان است و بدون آن هیچ حقی برای شخص معنایی ندارد.

زنده‌گی یا حیات، موهبتی الهی است که خداوند متعال آنرا به بشر ارزانی داشته است، هیچ فرد و حکومتی نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند و یا آسیبی به جسم و روح او وارد آورد. کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جازز نیست. صیانت و حمایت از جان و زنده‌گی افراد، یکی از وظایف اصلی حکومت است و بقاء هر جامعه و تمام اساس امنیت ملی و بین‌المللی بر آن استوار است، هیچ حکومت نمی‌تواند نسبت به مسولیت ملی و بین‌المللی خود در این باره بی‌اعتناء باشد. و به استناد عدم مداخله در اموری داخلی مانع نظارت‌های بین‌المللی شود و ملت خود را به زنجیر کشد و نیز زمامداران یک کشور حق ندارند با جاه‌طلبی‌های خود منابع انسانی و اقتصادی ملت خویش را به نابودی و تباهی سوق دهد.

پروردگار جهانیان می‌فرماید: (( من قتل نفسا بغیر نفس او فساد بی الارض فکا نما قتل الناس جمیعا ومن احیایها فکانما احیا الناس جمیعا. [سوره مائده آیه: ۳۲] )

یعنی: هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گویی تمام یا همه مردم را کشته، و هرکس انسانی را از مرگ رها بخشد، چنان است که گویی که همه مردم را زنده کرده است.

حیات یک انسان آنقدر با ارزش است که قتل بدون موجب یک انسان برابر با قتل تمام انسانهای روی زمین شمرده میشود به همین برتیب نجات دادن یک انسان از مرگ (عضو قصاص) و غیره برابر نجات دادن تمام انسانهای روی زمین شناخته شده است.

از دیدگاه اسلام تمام انسان‌های روی زمین ولو بر هرکیش و مذهبی که باشند حق حیات و زنده‌گی دارند، کسی حق ندارد که بایشان مزاحمت کند و یا بدون موجب به قتلشان برساند

## 7. اصل برابری عمومی از دیدگاه اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر

اصل برابری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده است از اصول مسلم حقوق اسلام است. اسلام همه افراد بشر را برابر می‌شناسد و هیچ‌گونه امتیازی برای افراد به علت نژاد، زبان، رنگ، ثروت، ملیت، و تعلق به سرزمین خاص قائل نیست. اسلام با هر گونه امتیازی طبقاتی و قبیله‌ای مخالف است و در زمانی اصل برابری را اعلام کرد که جوامع انسانی از نابرابریها و امتیازات و تبعیضات ناروا به شدت رنج می‌بردند. در این مورد خداوند متعال می‌فرماید: (( یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعبا و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم

عند الله اتقاکم )) [حجرات: آیه ۱۳]

یعنی ای مردم آغاز شما را از مردی و زنی آفریدیم و آنگاه به صورت ملت و قبیله‌ها گردانیدیم تا باهم آشنایی یابید. گرامی‌ترین و بزرگوارترین شما در نزد خداوند پرهیزگارتین شماست.

## نتیجه‌گیری

اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی در ارتباط به حقوق بشر اسلامی روی یک مسئله توافق دارند و در جهت تحقق یک امر دولت‌ها، سازمانها و افراد را ملزم ساخته‌اند و آن امر مهم، حفظ کرامت انسان و حقوق انسان و انسانیت است. چون ما که مسلمانیم و معتقدیم که انسان اشرف مخلوقات است و با یک سلسله حقوق طبیعی پا به عرصه‌ی وجود نهاده است، باید این حق و حقوق را بیشتر از دیگران رعایت کنیم و در نظر داشته باشیم. اگر به تاریخ نظر اندازیم، افراد بشر به خاطر احقاق حق خود، چه قبل از میلاد و چه بعد از میلاد تلاش‌های وافری نمودند و در هر مرحله از تاریخ توانستند که عده از حقوق خود را بدست آورند. به طور مثال: قانون حمورابی در سال (۲۱۲۳) قبل از میلاد در بابل، منشور کورش کبیر در قرن پنجم قبل از میلاد، الواح دوازده گانه در سال (۴۴۹) قبل از میلاد را به وجود آوردند و بالاخره در اثر سعی و تلاش دانشمندان و مکاتب حقوقی در این زمینه توانستند حداقل حقوق را کسب نمایند.

امام‌مفهوم حقوق بشر در اسلام بر دو اصل مهم مبتنی است: کرامت افراد انسانی و عدالت اسلام همواره بر این نکته تأکید می‌ورزد که خداوند سبحان الله تعالی تمام افراد انسانی را مورد فضل قرار داده و آنها را تکریم نموده است خداوند از تمام افراد بشر می‌خواهد تا در محیطی سرشار از صلح و نظم زنده‌گی کنند، و به همین دلیل از او می‌خواهد تا در این دنیا عدالت را بر پا کند. زیرا در جهان بدون عدالت، کرامت و شأنت انسانیت وجود نخواهد داشت و بدون کرامت و عدالت هیچ‌گونه صلح و آرمشی نخواهد بود. مفهوم حقوق بشر، امروز در غرب جنبه فردی به خود گرفته است، در حالی که در اسلام به عنوان یک موجود اجتماعی که شدیداً وابسته به جامعه خویش است، در نظر گرفته شده است. حقوق بشر در غرب امروز اهرمی تجاری سیاسی است.

## سرچشمه‌های

1. قرآن کریم.
2. ابراهیمی، جهانبخش. (۱۳۸۳) کتاب سیری در حقوق بشر. تهران: انتشارات زوار.
3. ابراهیمی، حجة الاسلام محمد. (۱۳۷۷) اسلام و حقوق بین‌المللی. ج ۲، انتشارات دفتر همکاری حوزه دانشگاه.
4. ابو سعیدی، مهدی. (۱۳۴۳) کتاب حقوق بشر. تهران: انتشارات آیسا.
5. آقای، بهمن. (۱۳۶۶) فرهنگ حقوق بشر چاپ اول، تهران.
6. ابوسعیدی، مهدی. (۱۳۴۵) حقوق بشر و سیر تکامل آن در غرب. ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا.
7. احمدمفتی، دکتر حسین و دکتر سامع صالح الوکیل. (۱۳۸۷) اسلام و حقوق بشر. مترجم: اسماعیل محمدی انتشارات سیروان.
8. بسته نگار، محمد. (۱۳۸۵) حقوق بشر از منظر دانشمندان

- چ ۲، انتشارات شرکت سهامی
9. ۹- جواد املی، عبدالله. ( ۱۳۷۵ ) فلسفه حقوق بشر . چ ۳، تهران: مرکز نشرالاسراء.
  10. رامز پور، داکتر ابوالاسرار. ( ۱۳۷۷ ) گزید های از اسناد بین المللی حقوق بشر . تهران: انتشارات پایدار.
  11. رسولی، محمد اشرف. ( ۱۳۸۱ ) اسلام و حقوق . تهران: انتشارات دانشگاه مفید.
  12. شریفیان، جمشید. ( ۱۳۸۰ ) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد . تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
  13. ۱۳- شها، عبدالرحمن. ( ۱۳۸۲ ) حقوق بشر در اسلام . ناشر: انتشارات شیخ الاسلام تهران .
  14. ۱۴- طبا طبائی موئتمنی، داکتر منوچهر. ( ۱۳۸۲ ) آزادیهای عمومی و حقوق بشر . چ ۳. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه.
  15. ۱۵- فریدن، مایکل. ( ۱۳۸۱ ) کتاب مبانی حقوق بشر . انتشارات وزارت خارجه .
  16. ۱۶- قاسمی، محمد قاسم. ( ۱۳۷۸ ) آیین زندگی . تهران: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد .
  17. ۱۷- قربانی، زین العابدین. ( ۱۳۷۶ ) اسلام و حقوق بشر . تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
  18. ۱۸- کریمی، محمد نعیم. ( ۱۳۸۹ ) حقوق انسان از دیدگاه اسلام . چ ۳ . انتشارات سعید کابل جاده آسمانی
  19. ۱۹- محمد وسیم. ( ۱۴۰۴ ) سه صد حدیث . انتشارات تاج محل پشاور .
  20. ۲۰- مهرپور، داکتر حسین. ( ۱۳۸۳ ) نظام بین المللی حقوق بشر . تهران: انتشارات اطلاعات.
  21. ۲۱- مهر پور، داکتر حسی. ( ۱۳۸۸ ) حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن . چ ۲ ناشر: اطلاعات تهران .